



## ارزشهای اسلام و انقلاب را پاسداری کنیم (۱۶)

# شکاف فقر و غنا به کجا می رود؟!

حجة الاسلام محمد تقی رهبر  
امام صادق (ع):

«مردم فقیر، محتاج، گرسنه  
و برهنه نشدند مگر با گناه  
ثروتمندان».

باشیم. ویژگی این خط در بُعد اجتماعی پشت کردن به اشرافیت و سرمایه داری استثمارگر و رو آوردن به محرومان و مستضعفان و حمایت از پابرهنگان است. چرا که اسلام دین اشرافیت نیست، آئین طبقاتی و ثروت اندوزی و فقر و غنا نیست. اسلام آمده

«آن چیزی که روحانیون نباید هرگز از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پابرهنگها است، چرا که هرکسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم و در تحقق آن اگر کوتاهی بنمائیم خیانت به اسلام و مسلمین کرده ایم.»

(امام خمینی «فلسفه روح» ۶۷/۲/۲۹)

«خدا نیاورد آن روزی که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام سازگار نیست، دامن پاک روحانیت از آن منزّه است و نا اید هم باید منزّه باشد. و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است.»

(از پیام امام خمینی «ره» به حجاج - مرداد ۱۳۶۶)

آری، این است خطی که امام فقید و همیشه جاوید ما در انقلاب اسلامی ترمیم فرمود و سیاست نظام اسلامی ما بر آن متکی است و در همه عصرها باید بر آن متکی باشد. خطی است برگرفته از راه انبیاء و سیره مبارکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و روش و منش ائمه طاهرین علیهم السلام، خطی که در شعار و عمل باید سرلوحه کار ما باشد تا بتوانیم مشادی عدالت اجتماعی در جهان

تا مستضعفین و توسری خورده ها را از زیر فشار شاهان و شاهزادگان و اقطاب قدرت و ثروت نجات بخشد و نه تنها به سطح متعادل اجتماعی برساند، بلکه آنها را امامان زمین و مظلومه داران حق و عدالت سازد:

«و نريد ان نمن على الدين استضعفا في الارض فنجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثين». این شعار قرآنی است: امامت و وراثت مستضعفین و محرومان، شعاری که هویت اسلامی و انقلابی ما را تشکیل می دهد. شعاری که اگر در عمل بی رنگ یا کم رنگ شود، افتخارات و هویت مکتبی ما را خدشه دار کرده است. شعاری که در عمل باید تبلور بخشیم و نمود عینی آن را به نمایش گذاریم و به دیگران نیز بیاموزیم که چگونه می توان شکاف فقر و غنا را پرکرد و دست چپاول ثروت اندوزان را قطع نمود و دست شکسته افتادگان را گرفت و گرد یأس و رنج و حرمان را از چهره شان زدود. و به مستضعفین زمین فهمانند در عصری که غول استکبار و استثمار حلقوم محرومان را می فشارد، اسلام قادر است بیاری طبقات محروم و در بنده بشتابد و پنجه در پنجه استثمار و استکبار را افکند...

توده ها خاکریز دفاعی اسلام و انقلاب آنها که در روز مصیبت سپهر دفاعی و بلاگردان اسلام و نظام و کشور و ملت الله توده ها هستند نه طبقات مرفه و سودجو و چپاولگر و نازاقتی و پرتوقع، پرخرج و کم فایده...

علی علیه السلام، در منشور سیاست و مدیریت خود به مالک اشتر روی این نکته حساس انگشت نهاده و می فرماید: «باید بهترین کارها در نظرت کاری باشد که بیشتر در شاهراه حق بوده و شعاع عدل در آن گسترده تر و



عشودی رعیت را فراگیرتر باشد. زیرا ناراضایی  
عامه مردم، رضایت خواص را تحت الشعاع قرار  
میدهد و ناراضایی خواص با عشودنی عامه قابل  
تحمل است. و احدی از مردم برای حکومت،  
برخرج نر در حال رفاه

می فایده تر در شداند،

گریزان تر از انصاف،

پرتوقع تر در خواسته ها،

ناسپاس تر در برابر بخشها،

عذرناپذیرتر هنگام خودداری از عطاها،

و کم صبرتر در ناملايمات روزگار، مانند

خواص نیست.

و همانا ستون دین، و انبوهی مسلمین و

بشوانه در برابر دشمنان توده امتند، پس باید به

آنان توجه کسی و به ایشان تمایل جویی.»

(نهج البلاغه - نامه ۵۳)

### توضیح سخن امام این است:

۱- تنها چیزی که دولتمردان باید به آن  
بیاندیشند و بدان عشق ورزند، عبارت است از  
حق و عدل و رضای توده های مردم.

۲- جامعه دارای اقشار مختلف است که  
در یک تقسیم بندی کلی در دو طبقه خلاصه  
می گردند؛ یکی - عامه که توده مردمند،  
دیگری - خواص و نخبه ها که قشر معدود  
جامعه می باشند و حاکم باید توده مردم را  
نگهدارد و با جلب رضا و اعتماد آنها پروائی  
از ناراضایی خواص که اقلیتی بیش نیستند،  
نداشته باشد زیرا میان این دو طبقه تفاوتها و  
فاصله ها است:

الف- خواص افرادی پسرخرج و  
اسرافکارند، در حالیکه عامه مردم قانع و  
کم خرج و کم توقع اند.

ب- خواص، در گرفتاریها دولت را کمتر  
یاری می رسانند، در حالی که عامه مردم در  
گرفتاریها به یاری دولت می شتابند.

ج- خواص از عدل و انصاف گریزانند و

آن را با منافع خود در تضاد می بینند حال آنکه  
عامه مردم تشنه عدالت و انصافند.

د- خواص افرادی پُرچانه و طماعند حال  
آنکه عامه مردم زبان اصرار و الحاح و  
چانه زدن ندارند.

ه- خواص را هر اندازه نوازش کنی کمتر  
سپاس می گویند، در حالیکه عامه مردم با  
اندک نوازشی زبان به شکر و سپاس  
می گشایند.

و- خواص را اگر به عطا نوازی، عذر  
ناپذیرند، در حالیکه عامه مردم عذرپذیرند و  
زود گذشت.

امام خمینی (فده):

## «این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است.»

ز- خواص را در ناملايمات صبر و تحمل

نیست، در حالیکه عامه مردم صبور و پرتحمل  
و مقاومند.

۳- اضافه بر اینها، عامه مردم همواره  
پشتیبان دین و در کنار مسلمین و سهر بلا در  
برابر دشمنانند.

پس باید اینها را نگه داشت و با جلب  
اعتماد و احقاق حقوق حقه آنها و رسیدگی به  
حال و درد ایشان این پشتوانه قدرت را حفظ  
کرد، که یک حکومت مردمی و الهی، باید  
در میان مردم پایگاه داشته باشد.

### جامعه اقل و اکثر!

آنچه امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد

عامه و خاصه و اقلیت و اکثریت اجتماع  
فرموده اند، امروزه در طبقات جامعه مشاهده  
می شود.

اقلیتی هستند پرتوقع، مسرف، ناراضی، و  
ناراضی تراش. نه به درد نظام می خورند، نه به  
فکر مردمند و نه به فکر دین. تنها به یک چیز  
فکر می کنند و آن عبارت است از پول و دلار  
و بورس و زمین و سود و بهره... کافی است  
چشم انداز این عده را که متأسفانه در جامعه  
کم نیستند ببینیم. درآمد و زندگی و خانه و  
تجملات و ریخت و پاش و اتومبیل و سفره ها  
و سفرها و تفریحات خارج و بورس و  
ساختمانهایشان را که با هزینه های سنگین  
سی میلیون تا سیصد میلیونی، چون قارچ در  
شمال شهر می روید و امکانات ساختمانی را  
می مکد و از دیگر سو، طمع و حرص و  
انتظارات و نق زدنهایشان را... بعلاوه  
لجام گسیختگی اخلاقی خود و بی  
خانواده هایشان که موارد بسیار دارد...

در مقابل اینها، اکثریت توده های  
مردمند. غالباً کم درآمد، گرفتار قسط و وام و  
بهره بانکی و غیربانکی و اجاره خانه با  
زندگی ساده و فشارهای روحی و عصبی و  
خانوادگی، و نیست، ندارم، در برابر زن و  
بچه، و بقول آن کارمند که در برابر هر آنچه  
فرزندش می خواست وعده اول ماه را می داد و  
گرفتن حقوق را و کودک همواره از پدر  
می پرسید: پدر، پس تو کسی حقوقت را  
می گیری، این اول ماه کی می آید؟!... و  
آن دیگری که دوتا اطاق اجاره کرده که دو  
برابر حقوق خود را بابت اجاره آن با هزار  
خون جگر بپردازد و اینها کم نیستند که  
بگوئیم «النادر کالمعدوم» و آن آبرومند  
دیگری که با هفت هشت سرعائله در یک  
اطاق زندگی می کند علی رغم خانه های  
چند هزار متری در شمال شهر...

ریشه اینگونه طبقه بندی و بحران را باید



در سیستم برجای مانده از رژیم پیشین و چپاولگری و ثروت اندوزی اقلیتی جستجو کرد که در بالای شهر در خانه های رؤیائی نظاره گر روز سیاه عده ای بی خانمانند و با عملکردهایشان بازار سیاه و تورم و بورس و گرانی را بوجود می آورند و با تشدید می کنند...

### شعار علی علیه السلام است نه شعار چپ!

امام علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: «ما رأیت نعمة موفرة الا وفی جانبها حق مضیع».

ندیدم نعمتی را انباشته شده مگر آنکه در کنار آن حقی ضایع شده است. این نعمت آبوهوا، اندوخته، کارخانه، زمین و ارزاق و غیره را شامل است. بالاخره سرمایه دار با تراکم ثروت حقوق مستندان را بلعیده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «ان الناس ما افتروا ولا احتاجوا ولا جاعوا ولا عروا الا بدنوب الاغنیاء».

مردم فقیر، محتاج، گرسنه و برهنه نشدند مگر با گناهکاری ثروتمندان.

(الحیاتیج ۱ ص ۳۲۹)

یعنی هر بلا و مصیبتی که در زمینه اقتصادی بر سر طبقات محروم می آید نتیجه عملکرد ثروتمندان است. گرسنگی، نیازمندی، فقر و برهنگی، بی خانمانی، بیماری و... از طریق ثروت اندوزی به جامعه می رسد. چرا که اگر حقوق فقرا داده می شد، فقری نبود، چه در سطح بین المللی، چه در سطح یک جامعه...

این سخن علی علیه السلام و امام صادق سلام الله علیه است، نه شعار چپ و برگرفته از سوسیالیسم و کمونیسم، شعاری که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و علی علیه السلام و

خاندانش خود بدان عمل کردند و مسلمان را و حتی اولیاء امور جامعه اسلامی را بدان توصیه نمودند.

علی علیه السلام فرمود: «ان الله فرض علی ائمة العدل ان یقدروا انفسهم بضعفة الناس کیلا یتبیخ بالفقیر فقره».

(نهج البلاغه- خطبه ۲۰۹)

خداوند بر زمامداران عدالت واجب ساخته که خود را با ضعفای مردم مقایسه کنند تا مبدا فقر و تنگدستی، مستندان را رنج دهد و از جاده حق جدا کند.

در روایات اسلامی است که فرشته ای از جانب خدا نزد پیامبر آمد و عرضه داشت: یا رسول الله اگر مایل باشید سرزمین بطحا و مکه را برای شما به صورت مطلا و نقره در آورم. آن حضرت فرمود: نه، چنین خواسته ای ندارم،

### «خط مشی پیامبران خدا در انقلاب و رهبری امام، تبلور یافت و باید این خط حفظ شود»

بلکه می خواهم یک روز سیر باشم شکر خدا را بگویم و اینک روز گرسنه باشم و بدرگاه خداوند عرض نیاز کنم.

این حدیث و رای بعد عرفانیش فلسفه دیگری دارد که آن لمس کردن رنج محرومان و همدردی با آنها است.

### حاکمان بی تخت و تاج

حکایات بی شمار زهد امیرالمؤمنین علیه السلام نیز زبانه های خاص و عام و آشنا و بیگانه و دوست و دشمن و در صفحات تاریخ منعکس است. در همین نهج البلاغه است که امام از زهد پیامبران، یعنی موسی و عیسی و

داود علیهم السلام و حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم سخن می گوید و سپس با اشاره به وضع زاهدانه خویش می فرماید: «بخدا این جامه ای که برن دارم آنقدر وصله زده ام که دیگر از وصله دوزان خجالت می کشم. شخصی با من گفت: آنرا دوز نمی اندازی؟ پاسخ دادم: از من دور شو، زیرا که شب روان در صبحگاهان ستوده شوند.»

(نهج البلاغه- خطبه ۱۶۰)

اینها حاکمان بی تخت و تاجند که نام و آوازه شان سطح گیتی را پُر کرده و دولت های بزرگ و دلیا خستگان دنیا را با بی اعتنایی به دنیا تحقیر کردند... این همان خط مشی است که پس از ۱۴ قرن از مهبجوری اسلام، در انقلاب اسلامی ما با رهبری پیامبران حضرت امام «قدس سره» تبلور یافته است آری، با بی اعتنایی به دنیا و گریز از تجمل و اشرافیت می توان دست رد بر سینه ابرقدرتها زد و به مستضعفان زمین آموخت که با زیر پا نهادن اشرافیت و دنیا گرایی می توانند به دنیای استکباری نه بگویند...

باری سخن از اسرافکاری و اشرافی گری پاره ای از قشرها در جامعه ما بود و فقر و استضعاف ناشی از آن در سویی دیگر... گفتیم خط مشی نظام انقلابی ما حمایت از محرومان و پابرهنه هاست چیزی که امروزه نیز سرلوحه کار دولتمردان ماست. اما در همین دوران جنگ و تحریم اقتصادی و مشکلات دولت و ملت دیدیم که مشی از عناصر سودجو چگونه با چپاول و احتکار و کمک به بازار سیاه با بورس دلار و زمین بر دارانی خود و مشکلات کشور افزودند و تورم را بالا بردند و گرانی را تشدید کردند و نرخ یک متر آبارتمان را از پنجاه هزار تومان اول پیروزی انقلاب به پنجاه هزار و صد هزار تومان رسانیدند و همچنان در روند تصاعد آن به پیش میروند و هیچکس نتوانسته مرزی برای آنها



مشخص کند و این منحصر به زمین و خانه نیست، که البته یک مقدار طبیعی قضایاست و مقدار زیادی از آن ناشی از سوء استفاده و عدم توان کنترل بوده است...

### گل چیست اگر دل زغم آزاد نباشد؟!

از سوی دیگر برخی عملکردها بگونه ایست که زمینه را برای سوء استفاده سودپرستان زالوصفت فراهم می سازد. آنها که در فرصتی با مهارت بر موج سوار می شوند و با دست باز به بهره برداری می پردازند. بد نیست این را با مثالی مشخص کنیم.

وقتی مالیات و یا عوارض شهرداری در خصوص مستغلات و خانه مسکونی و اماکن تجاری و غیره با عناوینی مانند خودیاری، مضاعف می شود، قطع نظر از ضایعاتی که این امر بر توده مردم دارد، ملاکین و قهرمانان بورس خانه و املاک هستند که باز هم استفاده بیشتری می کنند. چرا که اگر آنها مثلاً یک میلیون بعنوان مالیات و عوارض می پردازند، بجای آن دو میلیون و سه میلیون روی قیمت خانه می کشند و یا نوعی دیگر از مردم می گیرند و حتی خوشحالند که بهانه مناسبی بدست آورده اند، در نتیجه قیمت سرسام آور زمین و خانه و... بالا تر می رود و هر متر آپارتمان به پنججاه هزار و صد هزار تومان!! می رسد. این خانه هم بفروش می رسد، اما خریدارانش کیانند؟ باز هم قشر پولدار و سوداگر دیگر...

بالآخره دود به چشم طبقه محروم و کارگر و کارمند و اجاره نشین می رود و آنها که مادام العمر راهی به خانه شخصی و نجات از خانه بدوشی نخواهند یافت. آنها با زبان حال می گویند:

گل چیست اگر دل زغم آزاد نباشد؟

از گل چه کنایه جودلی شاد نباشد! در زیر این آسمان کسی نیست که از زیبا سازی و گلکاری پارک ها و خیابان ها بدش

بباید! و عملکرد شهرداری از این نقطه نظر قابل توجه است، اما طرف دیگر قضیه را هم باید دید. یک بعدی نباید نگریست. اگر بنا باشد بخش معتنابهی از بودجه عمرانی از طریق اینگونه عوارضات به آن ضایعات مورد اشاره، و به بهای گرانی تصاعدی خانه و اجاره بها و غیره... تأمین شود آیا باز هم زیبا سازی اولویت دارد؟!

اگر ممکن و میسر بود که جلوتورم و گرانی و بورس سیاه خانه و غیره مهار می شد و افراد پردرآمد بدون آن ضایعات برای محرومان این عوارضات را می پرداختند جای گفتگو نبود... اما این قشر پولدار و دیکتاتورهای اقتصادی زرننگ تر از آنقدر که نوری به آب بیندازند که ماهی صید در آن نباشد، آنها ذر پولسازی همانقدر کهنه کار شده اند که

### «با بی اعتنائی به دنیا و

### گریز از تجمل و اشرافیت

### می توان دست ردّ به سینه

### ابرقدرتها زد»

پس جیایان کم توقع ما در کار جنگ و دفاع آبدیده شده اند!!  
بدینسان می بینیم خانه، زمین، دلار، اتومبیل اشرافی به یکسو می رود و یأس و حرمان سونی دیگر و گرانی خانه ها و اجاره بها با در آمد ناچیز قشرهای زحمت کش پائین را رنج می دهد و معلوم نیست شکاف فقر و غنا به کجا خواهد رفت.

اصولاً باید ره چاره ای اندیشید در جهت شکستن غول گرانی، مبارزه با روح اشرافی گری و سرمایه داری عتنان گسیخته و مبارزه با تورم و گرانی تصاعدی و قطع دست دیکتاتورهای اقتصادی که خصلتشان

اسراف و تبذیر و مکیدن خون فقرا است. و این جداً کار بسیار دشواری است. توجه و مطالعه کارشناسانه و جامع الاطراف فراوان و مشورت و تجارب بسیاری طلبید و شرائط مناسب می خواهد که در دوران بازسازی و پس از جنگ می توان بدان پرداخت و بار سنگین آن بدست برنامه ریزان و دست اندر کاران امور است. که توفیقشان را آرزو می کنیم.

سخن را با فرازهایی از سخن جاودانه امام خمینی (قدس سره الشریف)، معمار انقلاب آغاز کردیم و به عنوان حسن ختام با بخشی از سخن رهبر معظم انقلاب اسلامی که در روند اندیشه های امام است بپایان می بریم... معظم له در پیام اخیرشان بمناسبت ۱۳ آبان ماه فرمودند:

«به دولت خدمتگزار و لایق نیز یاد آور می شوم که این ملت بزرگ و فداکار بخصوص طبقات محروم و بایرهنگان که بار اصلی این انقلاب و کشور را همیشه بر دوش داشته اند، حقاً شایسته خدمت و سزاوار صمیمیت اند. در تمام برنامه ها و تصمیم ها بیش از هر چیز لازم است استیفای حقوق و تأمین رفاه و آسایش و رشد مادی و معنوی و حفظ عزت و شرف آنان مورد توجه باشد اگر در دوره های گذشته همه سرمایه ها و پول و شغل و تحصیل و عمران و خلاصه همه خیرات در جهت منافع مرفهین بکار می رفت و قشرهای ضعیف یعنی اکثریت همواره به فراموشی سپرده می شدند، نظام اسلامی به عکس باید تمام همت خود را به پر کردن شکافهای عمیق اقتصادی و اجتماعی میان فقیر و غنی مصروف کند و سرمایه های مادی و معنوی کشور را در راه خدمت به بایرهنگان که حق حیات به گردن کشور دارند به کار اندازد...»  
و ما نیز موفقیت دولت لایق و متعهد و مدبر و خدمتگزار را در پیمودن چنین راه دشواری از خداوند مسئلت داریم.